

جمع‌بندی تحقیقات پیرامون تکلیف شب پایه تحصیلی، تأثیری چشمگیر بر سودمندی تکلیف شب دارد

معرفی مقاله

نوشته: هریس کوپر^۱
ترجمه: فاطمه فقیهی قزوینی

مقاله حاضر یک تحقیق کتابخانه‌ای است که هریس کوپر در سال ۱۹۸۸ در خصوص تکلیف شب انجام داده است. در این تحقیق قریب ۱۰۰ مقاله و ۱۰۰ گزارش مورد مطالعه قرار گرفته‌اند و نتایج مشترک یا احياناً متضاد آنها استخراج و مطرح شده است. نکاتی که در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفته‌اند عبارت‌اند از: اثرات مثبت و منفی تکلیف شب، عوامل مؤثر بر میزان کارایی تکلیف شب، میزان تأثیر تکلیف شب بر موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان، تفاوت‌های احتمالی در میزان کارایی برخی از تکالیف شب نسبت به برخی دیگر و بالاخره مهمترین سؤالی که همواره در این خصوص مطرح است یعنی مقدار بهینه تکلیف شب (بر اساس زمان متوسط مورد نیاز) در مورد هر یک از مواد درسی.

در پایان مقاله نویسنده رهنمودهایی کلی در خصوص تکلیف شب ارائه می‌دهد. وی این رهنمودها را در سه دسته مختلف تنظیم نموده است که دسته اول را به مناطق آموزشی، دسته دوم را به مدارس و دسته سوم را به معلمان توصیه کرده است. این مقاله توسط خواهر فاطمه فقیهی قزوینی کارشناس مرکز تحقیقات آموزشی ترجمه شده که بدین وسیله از ایشان قدردانی می‌شود.

«فصلنامه»

هج. اتو^۲ در دائرة المعارف تحقیقات آموزشی، چاپ ۱۹۵۰، نوشت «تکلیف اجباری به اصلاح واقعی عملکردهای تحصیلی تا رسیدن به سطح قابل قبول برای بقاء در مدرسه منجر نمی‌شود» (اتو، ۱۹۵۰، صفحه ۳۸۰). هیجده سال بعد پ. ر. وایلدمن^۳، قدمی جلوتر گذاشت و افزود «هرگاه تکلیف شب، فعالیت‌های اجتماعی، تفریحات بیرون از خانه و فعالیت‌های خلاق را محدود کند و هرگاه زمان لازم برای خواب را غصب نماید، قطعاً نیازهای اولیه کودکان و نوجوانان را برآورده نکرده است» (وایلدمن، ۱۹۶۸، صفحه ۲۰۳).

امروز مشکل می‌توان فهمید که چگونه این متخصصان آموزش و پرورش توانسته‌اند به چنین ارزیابی منفی نسبت به تکلیف شب، دست یابند. در حال ما باید بدانیم که نگرش فعلی ما، سومین دگرگونی در این اندیشه رایج است که تکلیف شب از یک ارزش تربیتی برخوردار است.

در آغاز قرن بیستم، ذهن انسان مانند عضله‌ای تصور می‌شد که می‌تواند با تمرینات ذهنی یا حفظ کردن مطالب، تقویت شود. و چون حفظ کردن عملی بود که می‌توانست در منزل انجام شود، تکلیف شب نیز موضوع مفیدی قلمداد می‌شد. در دهه ۱۹۴۰، تأکید بر آموزش و پرورش از تمرین و تکرار به حل مسأله منتقل گردید. و همان‌طور که در نوشته اتو تصریح شده است، تکلیف شب از اعتبار خارج شد. به اجرا گذاشتن اسپات‌نیک^۴، توسط روسها در دهه ۱۹۵۰، این گرایش را در جهت معکوس هدایت کرد. عموم مردم آن زمان نگران این بودند که آموزش و پرورش از کارایی کافی برخوردار نیست. و کودکان را برای مواجهه با عصر تکنولوژی پیچیده آماده نمی‌کند. همه تصور می‌کردند که تکلیف شب می‌تواند کسب دانش را تسریع کند. دهه ۱۹۶۰، مجدداً شاهد یک بازگشت بود، به طوری که تکلیف شب به عنوان یک فشار بیهوده، بر کودکان تلقی گردید. وایلدمن نگرش آن زمان را به این نحو توصیف می‌کند که تأکید بیش از حد بر درس و مدرسه به چشم‌پوشی از سایر قلمروهای رشد شخصیت منجر خواهد شد. در دهه ۱۹۸۰ تکلیف شب مجدداً حیاتی تازه پیدا کرد و انگیزه اولیه این حیات دوباره گزارش «ملتی در معرض خطر» (۱۹۸۳) بود.

با توجه به این نوسانات در نگرش عمومی مردم، آیا تحقیقات می‌توانند به ما بگویند که تکلیف شب واقعاً هدف مفید و مشخصی را دنبال می‌کند؟ بررسی تحقیقات مربوط به تکلیف شب نشان می‌دهد که نتایج تحقیقات همواره با تفکر معاصر خود همسویی و هماهنگی داشته‌اند. زیرا هر تحقیقی می‌تواند در اثر بی‌توجهی نسبت به ارزش و اعتبار سواهد موجود، به عنوان تثبیت‌کننده یک تفکر به کار گرفته شود. تحقیقات گذشته درباره تکلیف شب مطمئناً دارای چنین خصوصیتی بوده‌اند.

در ۱۹۸۶، من اعتباری از بنیاد ملی علوم دریافت کردم تا تحقیقات مربوط به اثرات تکلیف شب را جمع‌آوری، مطالعه و تلخیص کنم. من طرح تحقیقی را بدون هیچ ذهنیت پیش‌ساخته مثبت یا منفی نسبت به تکلیف شب، آغاز کردم ولی با داشتن یک پسر کودکستانی و یک دختر در دورهٔ آمادگی، موضوع بتدریج برایم از اهمیت بیشتری برخوردار می‌شد. این طرح دو سال طول کشید و منجر به نوشتن اولین کتاب من درباره این موضوع گردید (کوپر، ۱۹۸۹). این مطالعه قریب ۱۲۰ تحقیق را دربرگرفت.

من تلاش کردم با استفاده از کامپیوتر تمام مطالب گذشته را، اعم از له یا علیه تکلیف شب بررسی کنم. این تحقیق مرا به مراجع گوناگون تحقیقات قبلی و مکاتبه با محققان و رؤسای دانشکده‌های علوم تربیتی، آژانس‌های تربیتی و مناطق آموزشی رهنمون گشت. سپس پیشرفته‌ترین روشهای آماری را برای تحلیل این تحقیقات به کار گرفتم (کوپر ۱۹۸۹) تا بتوانم اثرات تکلیف شب را تخمین و سایر عوامل مؤثر بر اثرات آن را، در محیط مدرسه و خانه شناسایی کنم.

تکلیف شب چه کاری ممکن است انجام دهد؟

کار من ناچار باید با تعریفی روشن از تکلیف شب و فهرست‌بندی کامل اثرات بالقوه مثبت و منفی آن آغاز می‌شد. من تکلیف شب را با عبارت «وظیفه‌ای که توسط معلمان برای دانش‌آموزان تعیین می‌شود تا در ساعات غیرمدرسه انجام پذیرد» تعریف کردم.

این تعریف الف) مطالعه هدایت شده در مدرسه،

ب) درس خودآموز،

ج) فعالیتهای فوق برنامه را شامل نمی‌شد، ولی البته تکالیفی را که معلم ساعت اول تعیین می‌کرد و دانش‌آموزان در ساعات بعد در کلاسهای دیگر مشغول انجام آنها می‌شدند، دربر می‌گرفت.

مجموعه اثرات مثبت و منفی تکلیف شب، که من در مطالعات خود به آنها پی بردم، بسیار وسیع و گاه حیرت‌آور است. این اثرات در شکل شماره ۱ فهرست شده‌اند. یکی از اثرات مثبتی که به آن اشاره شده است، یادگیری سریع مطالبی است که در تکلیف شب داده می‌شود. تکلیف شب به‌طور غیرمستقیم مهارت‌های مطالعه دانش‌آموزان و نگرش آنها را نسبت به مدرسه اصلاح، و به آنها می‌آموزد که یادگیری می‌تواند هرجای دیگری غیر از مدرسه و هر زمان دیگری غیر از ساعت ۹ صبح تا ۳ بعدازظهر انجام پذیرد. البته فواید غیردرسی زیادی نیز که بیشتر آنها به پرورش استقلال و مسئولیت مربوط می‌شود از تکلیف شب عاید می‌گردد. و بالاخره تکلیف شب

می‌تواند اولیای کودکان را در امور مدرسه مشارکت دهد. به نحوی که علاقه‌مندی آنها را به آموزش افزایش دهد و به آنها امکان دهد تا نگرشهای مثبت خودشان را نسبت به موفقیت شاگرد بیان دارند.

اثرات منفی مورد اشاره که اغلب جو فکری موجود را نشان می‌دهند بسیار جالب توجه هستند. برخی از متخصصان آموزشی نگران آنند که:

۱) تکلیف شب به انزجار و بی‌زاری منتهی شود. آنها معتقدند که هر فعالیتی می‌تواند تنها برای مدت محدودی مفید باقی بماند. لذا اگر قرار باشد دانش‌آموزان زمان زیادی را روی مطالب علمی صرف کنند، با آزدگی خاطر نسبت به آنها رشد خواهند کرد.

۲) تکلیف شب اوقات فراغت دانش‌آموزان و فعالیتهای اجتماعی آنها را محدود می‌کند. آیا کودکان نمی‌توانند درسهای مفیدی را از فعالیتهای غیردرسی خود، نظیر پیشاهنگی و فوتبال فرا گیرند؟

۳) مشارکت زیاد اولیای دانش‌آموزان، اغلب به دخالت‌های بی‌جای آنها نیز منتهی می‌شود. اگر روشهای آموزشی که پدران و مادران به کار می‌گیرند با آنچه که معلم استفاده می‌کند متفاوت باشد، ذهن کودک مغشوش خواهد شد.

۴) تکلیف شب می‌تواند واقعاً به کسب و ویژگیهای شخصیتی نامطلوبی، نظیر تقلب از طریق رونویسی کردن تکالیف یا به کار گرفتن دیگران برای انجام تکالیف منتهی شود.

۵) بالاخره تکلیف شب می‌تواند نایر ابریهایی موجود اجتماعی را تقویت کند. کودکان متعلق به خانه‌های محرومتر، در انجام تکالیف خود، نسبت به هم‌تایان دیگر با مشکلات بیشتری مواجه هستند. آنها بعد از ساعات مدرسه کمتر به کار درسی اشتغال می‌ورزند و کمتر از مکان مناسبی برای این منظور بهره‌مند هستند. لذا، تکلیف شب مطلقاً به برقراری تساوی آموزشی کمک نخواهد کرد.

چه عواملی بر میزان سودمندی تکلیف شب تأثیر می‌گذارند؟

این مطالعه مرا به این نتیجه رهنمون شد که تکلیف شب نسبت به سایر روشهای آموزشی، از تأثیر متقابل عوامل بیشتری برخوردار است. زیرا تکلیف شب به خانه می‌رود و ما ناچاریم، وقتی درباره عوامل تعیین‌کننده ارزش تکلیف شب فکر می‌کنیم، تنوع در عوامل محیطی خارج از مدرسه را نیز مدنظر قرار دهیم. در حالی که در مورد سایر روشهای آموزشی، تنها باید معلم و عوامل درون کلاس را موردنظر قرار دهیم. همچنین تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان، نقش مهمی ایفا می‌کنند زیرا تکلیف شب در شرایطی صورت عمل به خود می‌گیرد که دانش‌آموز از لحاظ زمان و پیچیدگی انجام تکلیف، از اختیار وسیعتری برخوردار است.

اثرات مثبت

بیشرفت و یادگیری سریع

تداوم بیشتر دانش دریافتی حقایق جزئی

درک بیشتر

تفکر انتقادی بهتر، شکل‌گیری مفاهیم، پردازش اطلاعات

غنی‌سازی برنامه درسی (غنی‌کردن برنامه درسی)

اثرات تحصیلی بلندمدت

اشتیاق به یادگیری در اوقات فراغت

بهبود نگرش نسبت به مدرسه

عادت به مطالعه و مهارت‌آموزی، عادات و مهارت‌های بهتر مطالعه کردن

اثرات غیر تحصیلی

خود راهبری بیشتر

انضباط شخصی بیشتر

تنظیم بهتر وقت

کنجکاری بیشتر

استقلال بیشتر در حل مسأله

علاقتمندی بیشتر اولیاء به مدرسه و شرکت در فعالیتهای مدرسه

اثرات منفی

بیزار شدن

از دست دادن علاقه به مطالب

خستگی جسمی و روحی

محروم شدن از اوقات فراغت و فعالیتهای اجتماعی

دخالت اولیاء

فشار برای انجام تکالیف و عملکرد خوب

مقشوش شدن شیوه‌های تدریس

تقلب

رونویسی کردن تکالیف از سایر دانش‌آموزان

واگذار کردن تکالیف به سایر افراد

افزایش فاصله بین دانش‌آموزان ضعیف و دانش‌آموزان ممتاز

به منظور سازمان دادن به اثرات تکلیف شب من فرایندی از عوامل موثر بر کارایی تکلیف شب را تهیه کردم. این فرایند در شکل ۲ نشان داده شده است.

این فرایند با این فرض اولیه آغاز می‌شود که ویژگیهای دانش‌آموزان، مسأله درسی و خصوصاً پایه تحصیلی بر ارزش تکلیف شب تاثیر می‌گذارند. علاوه بر آن خصوصیات تکلیف شب نقش عمده‌ای را ایفا می‌کنند. تکالیف شب می‌توانند کوتاه یا بسیار حجیم باشند، می‌توانند هدفهای مختلفی داشته باشند (تمرین مطالب قدیمی، معرفی مطالب جدید، پرورش مهارتها یا توسعه برنامه‌های درسی)، می‌توانند برای یکایک دانش‌آموزان یا گروهی از آنها تنظیم شده و توسط تک‌تک دانش‌آموزان یا به صورت یک کار گروهی انجام پذیرند. معلمان نیز می‌توانند مدت زمانهایی متفاوت و تلاشهایی گوناگون برای تکالیف شب در نظر بگیرند.

هنگامی که تکلیف شب به منزلت رفت، عوامل مختلفی بر چگونگی انجام آن تاثیر می‌گذارند، از آن جمله علاقه و تعهد دانش‌آموز، محیط خانه و مشارکت و همکاری دیگران. علاوه بر آن چگونگی برخورد معلم با تکالیف انجام شده، سودمندی آنها را تحت تاثیر قرار می‌دهد. برخی از معلمان ممکن است تنها به جمع کردن تکالیف شب اکتفا کنند. در حالی که برخی دیگر، با بررسی کامل آنها و ارائه پیشنهادها یا نمره دادن به آنها، بازخورد موثری برای دانش‌آموزان ایجاد می‌کنند.

آیا تکلیف شب واقعاً مفید است؟

پس از تعریف تکلیف شب، فهرست‌بندی اثرات بالقوه آن و تهیه فرآیند فوق، ناچار بودم تحقیقی کتابخانه‌ای درخصوص میزان سودمندی تکلیف شب انجام دهم. برای این منظور سه رشته از مطالعات را در نظر گرفتم که می‌توانستند پاسخگوی این سوال کلی باشند که آیا تکالیف شب موفقیت تحصیلی کودکان را افزایش می‌دهند یا نه.

در رشته اول، محققان میزان موفقیت دانش‌آموزانی را که تکلیف شب به آنها داده شده بود با موفقیت دانش‌آموزانی که تکلیف شب نداشتند، مقایسه کرده بودند. در این زمینه من به ۲۰ مقاله که از سال ۱۹۶۲ منتشر شده بودند دست یافتم. از این تعداد، ۱۴ مقاله نسبت به تکلیف شب نتایج مثبت و ۶ مقاله نتایج منفی ارائه داده بودند. موضوع جالبتر، تاثیر چشمگیر پایه تحصیلی، بر سودمندی تکلیف شب بود. فرض کنیم که یک معلم در دو کلاس ۲۵ نفری تدریس می‌کند. و تصادفاً هر دانش‌آموزی در یک کلاس، یک دانش‌آموز هم سطح در کلاس دیگر دارد. همچنین تصور کنیم که این معلم دقیقاً یک روش آموزشی را برای آموزش یک درس ده هفته‌ای در هر دو کلاس بکار می‌گیرد. با این تفاوت که یکی از این دو کلاس، هفته‌ای سه روز یک تکلیف شب نیم ساعته در خانه انجام می‌دهد. این مطالعات نشان داده‌اند که اگر این معلم در مقطع

شکل شماره ۲: نمونه‌ای از عوامل موثر بر اثرات تکلیف درسی

عوامل بیرونی	عوامل کلاسی	پیگیرهای کلاسی	عوامل اجتماعی - خانوادگی	ویژگیهای تکلیف درسی	نیمات حاصله
<ul style="list-style-type: none"> - ویژگیهای دانش آموزان - توانایی - انگیزه - عادات مطالعه - ماده درسی - پایه تحصیلی 	<ul style="list-style-type: none"> - تأسیسات و تجهیزات - تسهیلات پیشنهاد شده - روحیاتها - ارتباط با برنامه درسی - توجهات دیگر 	<ul style="list-style-type: none"> - بازخورد - توضیحاتی کنسی - تیره دادن - انگیزه‌های دیگر - به‌عمل آوردن آزمون از مطالب - تکلیف درسی - بحث کلاسی پیرامون مطالب - تکلیف درسی 	<ul style="list-style-type: none"> - رضای دیگر برای صرف وقت - دانش آموزان - محیط خانواده - فضا - نور - آرامش - وسایل کار - مشارکت دیگران - اربابا - خواهران و برادران - سایر دانش آموزان 	<ul style="list-style-type: none"> - مقدار تکلیف - هدف تکلیف - زمینه مهارتی - درجه انفرادی بودن - درجه اجتماعی بودن - موعدهای تکمیل - زمینه اجتماعی 	<ul style="list-style-type: none"> - کامل کردن تکالیف - عملکرد تکالیف - اثرات مثبت - تأثیر درسی سریع - تأثیر درسی دراز مدت - اثرات غیردرسی خانوادگی - اثرات منفی - پیزاز شدن - از بین رفتن اوقات فراغت - دهالت اربابا - تقلب - عمیقتر شدن فاصله - تفاوت بین دانش آموزان

دبیرستان تدریس کند، دانش‌آموز متوسط کلاس تکلیف شب، در صورت انتقال به کلاس بدون تکلیف، در ردیف ۶۹ درصدم کلاس قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر دانش‌آموزی که در کلاس تکلیف شب در رتبه سیزدهم قرار دارد، چنانچه به کلاس بدون تکلیف منتقل شود، به رتبه هشتم ارتقاء می‌یابد. اگر این معلم در دوره راهنمایی تدریس کند، همان دانش‌آموز در کلاس بدون تکلیف، به رتبه دهم دست می‌یابد. و بالاخره در دوره ابتدایی، تکلیف درسی موجب تفوق هیچ دانش‌آموزی برهم ردیفان خودش نخواهد شد.

رشته دیگر مطالعات، تکلیف شب را با مطالعه هدایت شده در کلاس مقایسه می‌کرد. در این مطالعات، دانش‌آموزانی که تکلیف درسی نداشتند، باید کارهای دیگری برای جبران این عمل انجام می‌دادند. و اغلب آنها در خلال ساعات فراغت در مدرسه یا در خانه به انجام تکالیفی مشابه تکالیف درسی مشغول بوده‌اند.

این مطالعات، مانند مطالعات قبلی از تکلیف شب حمایت نمی‌کردند. به طور کلی تاثیر مثبت تکلیف شب در مقایسه با عدم انجام تکلیف ۵۰ درصد بود. این نتیجه‌گیری، کاملاً منطقی به نظر می‌رسد. و هیچ دلیلی وجود ندارد که تکلیف شب موثرتر از مطالعات درون کلاسی باشد. درحقیقت روشهای تمرینی مختلف که می‌توانند همانند تکلیف شب موثر یا موثرتر باشند، باید به اجرا گذاشته شوند. سوال اصلی آن است که چگونه باید بهترین استفاده را از وقت دانش‌آموزان و منابع مدرسه به عمل آورد. مجدداً موضوعی که در این مطالعات قویاً به آن اشاره می‌شد تاثیر پایه تحصیلی بود. وقتی که مطالعات درون کلاسی با تکلیف شب در دوره ابتدایی مقایسه می‌شد، مطالعات درون کلاسی از برتری کامل برخوردار بود. در دوره راهنمایی تکلیف شب نسبت به مطالعات کلاسی برتری داشت و در دوره دبیرستان برتری تکلیف شب کاملاً محسوس بود.

سومین رشته مطالعات درحقیقت به بکارگیری تکلیف شب مربوط نمی‌شد. در عوض، این مطالعات، ۵۰ درصد تحقیقی را شامل می‌شد که در آنها ارتباط بین زمان مصرف شده برای تکلیف شب (به گفته خود دانش‌آموزان) و سطح موفقیت دانش‌آموزان، بررسی شده بود. البته هدف این مطالعات یک بررسی علت و معلولی نبود، بلکه فقط ثابت می‌کرد که دانش‌آموزان موفق‌تر معمولاً پرکارتر هستند و برعکس. بنابراین باید توجه داشت که این نتایج، شدیدتر از آنچه هستند تعبیر نشوند. ۴۳ مورد از این تحقیقات نشان داده بودند که دانش‌آموزان پرکارتر که تکلیف شب بیشتری انجام می‌دهند، معمولاً موفق‌تر هستند و تنها ۷ مورد عکس این را ثابت کرده بود. در این مطالعات نیز به ارتباط قوی پایه تحصیلی اشاره شده بود. برای دانش‌آموزان کلاس سوم تا پنجم همبستگی بین مقدار تکلیف درسی و موفقیت، تقریباً صفر، برای دانش‌آموزان کلاس پنجم تا نهم ۰/۰۷ و برای دانش‌آموزان دبیرستان ۰/۲۵ است.

این مطالعات نشان دادند که تکلیف شب در مجموع دارای تأثیری مثبت برای

دانش‌آموزان دوره دبیرستان، تأثیری نسبتاً متوسط برای دانش‌آموزان راهنمایی و تقریباً بدون تأثیر برای دانش‌آموزان دوره ابتدایی است.

آیا برخی از تکالیف درسی مفیدتر از برخی دیگر هستند؟

علاوه بر بررسی اثرات کلی تکلیف شب، محققان این موضوع را نیز مورد مطالعه قرار دادند که چگونه تفاوت‌های موجود در تکالیف شب می‌تواند میزان سودمندی آنها را تحت تأثیر قرار دهد. یک سوال روشن این است که آیا تکلیف شب برای برخی از مواد مفیدتر از برخی دیگر است؟ بر اساس سه رشته مطالعاتی که در فوق به آنها اشاره شد، من هیچ نمونه‌ای مبنی بر تأثیر متقابل تکلیف شب و برخی از مواد درسی بر یکدیگر مشاهده نکردم. ولی استنباط من آن است که قطعاً تکلیف شب وقتی مفیدتر خواهد بود که ماده درسی، خیلی پیچیده یا جدید نباشد.

سوال مهم دیگری که مطرح می‌شود، مقدار بهینه تکلیف شب است. نه مورد از تحقیقات مطالعه سوم درخصوص ارتباط مقدار وقت مصرف شده با موفقیت دانش‌آموزان، این امکان را به من داد که بتوانم سطح موفقیت را به عنوان تابعی از زمان مصرف شده، ترسیم کنم. منحنی تابع در قسمت کودکان جوان افقی بود. زیرا تکلیف شب بر موفقیت دانش‌آموزان دوره ابتدایی تأثیری نداشت و درحقیقت مقدار تکلیف شب نیز از اهمیتی برخوردار نبود. برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی، مشاهده شد که تکلیف شب تا زمانی که مقدار آن قریب یک تا دو ساعت در روز است، تأثیری مثبت بر موفقیت دانش‌آموزان دارد. تکالیف بیش از این مقدار هیچ تأثیری بر موفقیت دانش‌آموزان نداشته است. برای دانش‌آموزان دبیرستان، هر قدر مقدار تکلیف شب بیشتر می‌شد، منحنی موفقیت دانش‌آموزان نیز بالاتر می‌رفت. درحالی که عقل سلیم چنین حکم می‌کند که این ارتباط، نهایتاً در نقطه‌ای معکوس خواهد شد. لیکن نتایج این تحقیقات نشان می‌داد که در مقیاس مورد مطالعه، هر قدر تکلیف بیشتر می‌شد، موفقیت دانش‌آموزان نیز افزایش می‌یافت.

من اجمالاً به چند یافته دیگر درخصوص تفاوت‌های تکالیف شب اشاره می‌کنم. شواهد موکد نشان می‌داد که بهتر است مطالب درسی در تکالیف‌های متعددی در چند روز توزیع شود تا آنکه تکلیف هر روز، تنها مطلب درسی همان روز را دربرگیرد. در تکالیف‌های شب، هم تمرینات نوشتنی و هم آمادگی‌های شفاهی سودمند هستند. برخی از مطالعات که تأثیر مشارکت والدین را مورد بررسی قرار داده بودند، نتیجه گرفتند که دادن نقش رسمی به والدین در تکلیف شب، نه اثری مثبت و نه اثری منفی در میزان سودمندی آن برجای نخواهد گذاشت. این واقعیت در مورد افرادی کردن تکالیف شب نیز صادق بود. وبالاخره من هیچ مطالعه‌ای را مشاهده نکردم که یک راهبرد بازخوردی را (نظیر نمره دادن به تکلیف شب و توصیه‌های ارزشیابی) با

یک راهبرد بدون بازخورد مقایسه کند. برخی از مطالعات، چند راهبرد بازخوردی را با یکدیگر مقایسه کرده لیکن به هیچیک از راهبردها به عنوان راهبرد برتر اشاره نکرده بودند.

نارسائیهای تحقیقات بعمل آمده

هرچند بررسی مطالعات گذشته نتایجی روشن و اعجاب انگیز در برداشت لیکن در مجموع تأسف آور نیز بود. اول آنکه بسیاری از مطالعات فاقد یک طرح کلی و جامع بود. در حالی که موضوع تکلیف شب، مستلزم مطالعاتی عمیق و وسیع است. دوم آنکه با توجه به غنای تفکر و مناظرات موجود در خصوص تکلیف شب که لیست اثرات مثبت و منفی نشانگر آن است، تحقیقات به طرز بسیار محدودی بر روی متغیر پیشرفت تحصیلی به عنوان حاصل و نتیجه متمرکز گردیده است. تنها معدودی از مطالعات اثرات تکلیف شب نگرش فراگیر آن نسبت به مدرسه و موضوعات درسی را مورد مطالعه قرار داده اند (که نتایج آنها نیز قابل اغماض است). هیچ مطالعه‌ای به نتایج غیر آموزشی تکالیف، نظیر عادت به مطالعه، تقلب یا مشارکت در فعالیتهای اجتماعی توجه نداشته است.

رهنمودی برای یک خط مشی عام

در مطالعه خود قریب ۱۰۰ گزارش تحقیقی و ۱۰۰ مقاله درباره خط مشی را مورد بررسی قرار دادم. در این بررسی دریافتم که برخی از توصیه‌ها بسیار پرمعنا، لیکن برخی دیگر مغایر با همه شواهد هستند. بنابراین آخرین وظیفه‌ای که برای خود در نظر گرفتم نوشتن یک خط مشی بر اساس شواهد تحقیقی و نتایج عقلانی حاصل از مطالعات فوق برای مناطق آموزشی ایالات متحده بود.

اولین توصیه من آن است که خط مشی‌های هماهنگ شده‌ای باید در سطوح منطقه، مدرسه و کلاس وجود داشته باشد. برخی از موضوعاتی که باید در هر یک از این سطوح در نظر گرفته شود، منحصر به فرد و برخی دیگر مشترک هستند.

مناطق آموزشی باید به خوبی دریابند که چرا تکلیف شب داده می‌شود، چرا این تکلیف باید اجباری باشد و حداکثر چقدر زمان باید به تکلیف شب اختصاص داده شود. مدارس نیز باید زمان لازم را برای تکلیف شب به طور دقیقتر تعیین، تکالیف بین کلاسها را هماهنگ و نقش معلمان و مدیران را مشخص کنند. معلمان کلاسها نیز باید خط مشی‌هایی را اتخاذ کنند که نشانگر چیزهایی باشد که از دانش‌آموزان انتظار می‌رود. خط مشی پیشنهادی من در شکل ۳ خلاصه شده است.

من در اینجا وارد جزئیات این خط مشی نمی‌شوم ولی برخی از نکات آن باید شکافته

شود. اول آنکه توصیه می‌کنم که در مدارس ابتدایی باید تکلیف شب داده شود، حتی اگر اصلاح نمرات درسی مدنظر نباشد. زیرا تکلیف شب، عادت به مطالعه را در دانش‌آموزان جوان رشد می‌دهد و نگرش مثبت نسبت به مدرسه در آنها ایجاد می‌کند. و این تفکر را که یادگیری می‌تواند علاوه بر مدرسه در خانه نیز صورت گیرد، بوجود می‌آورد. چنین تکالیفی در سالهای اولیه ابتدایی، باید کوتاه و در برگیرنده مواد مشترکی باشد که در محیط‌های خانه پیدا می‌شود و به تجارب موفق می‌انجامد.

در دوره راهنمایی، عملکرد تحصیلی تکلیف شب باید مدنظر قرار گیرد. با این وجود نقش آن در ایجاد انگیزه نباید بیش از اندازه بزرگ قلمداد شود. بسنا بر این من مسخروطی از تکالیف اجباری و اختیاری را پیشنهاد می‌کنم که تکالیف اختیاری آنها می‌باشند که ذاتاً برای دانش‌آموزان این گروه سنی جذاب می‌باشند.

تکلیف شب هیچ وقت نباید وسیله‌ای برای تنبیه قرار گیرد. زیرا در این صورت این مفهوم القا می‌شود که تکلیف شب کاری زجرآور و کسل‌کننده است.

در دبیرستان معلم می‌تواند خانه را به عنوان ادامه کلاس درس قلمداد کند. رایج‌ترین تکلیفها برای این دوره می‌تواند تمرین روی مطالب تدریس شده، مطالعه مطالب درسی آینده و نیز تکلیفهایی باشد که مهارتها را با مطالب درسی تلفیق می‌کنند. به طور کلی من توصیه می‌کنم که نقش اولیا در تکلیف شب، در پائین‌ترین سطح ممکن نگه داشته شود. اولیا دانش‌آموزان از لحاظ علایق، دانشها، مهارتها، و اوقات فراغت با یکدیگر متفاوتند. بدیهی است که در سالهای اولیه تحصیل، اولیا باید بیشتر مشارکت داشته باشند. نقش آنها باید نشان‌دهنده ارزشی باشد که آنها برای موفقیت تحصیلی فرزندشان قائل هستند. اولیا می‌توانند، علاوه بر کمک در تمرین خواندن، نوشتن و ریاضی، اوقات مطالعه را برای فرزندشان تنظیم، یادداشتهایی را برای اتمام تکالیف معین یا حداقل تکالیف آنها را پس از اتمام امضا کنند.

من همچنین توصیه می‌کنم که انفرادی کردن تکالیف، رویه معمول در تعیین تکالیف شب نباشد. اغلب کلاسها از دانش‌آموزانی تشکیل شده‌اند که بالتسبیه از تواناییهای مستجانبی برخوردارند. انفرادی کردن تکالیف، موجب اتلاف وقت معلم و توجه کمتر او به تکالیف می‌شود. معلمانی که دانش‌آموزان خود را گروه‌بندی می‌کنند، می‌توانند به شاگردان ضعیف‌تر گروه بالا همان تکالیف گروه پائین‌تر و به شاگردان قویتر گروه پائین همان تکالیف گروه بالاتر را بدهند.

بالاخره نمره دادن به تکالیف شب باید بسیار محدود گردد. و تکلیف درسی نباید نوعی آزمون به حساب آید. تکلیف درسی باید همه دانش‌آموزان را در برگیرد و معلم نباید بین دانش‌آموزانش از نظر تکلیف شب تفاوتی قائل شود. مجبور کردن دانش‌آموز به انجام تکالیف

شب، یک موقعیت ایده‌آل برای ایجاد انگیزه را (من باید از کار خود لذت ببرم، من مشغول انجام تکالیفم هستم بدون آنکه معلم مرا کنترل کند) به موقعیتی تبدیل می‌کند که در آن معلم خود را ملزم می‌داند که از مراقبت‌های ناگهانی و بدون اطلاع قبلی استفاده کند. معلمان باید تکلیف شب را جمع‌آوری و تصحیح کنند. و بازخورد آموزشی لازم را به دانش‌آموزان بدهند. این فرآیند نشان می‌دهد که تکلیف درسی موضوعی جدی و هدفدار است. هدف آن مشخص کردن مشکلات یادگیری یکایک دانش‌آموزان است.

مطالعه من در خصوص تکلیف شب، نشان داد که این موضوع یک ابزار آموزشی مقرون به صرفه است. با این وجود، تکلیف درسی باید هدفهای مختلفی را در پایه‌های مختلف دنبال کند. انتظار ما از اثرات آن به ویژه در کوتاه مدت و در پایه‌های اولیه تحصیلی نباید افزون از حد باشد. تکلیف شب باید یکی از رهیافتهایی باشد که ما مانند فوتبال و پیشاهنگی بکار می‌گیریم تا به دانش‌آموزان نشان دهیم که یادگیری در هر جا می‌تواند صورت پذیرد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

برای مناطق آموزشی

تکلیف درسی یک شیوه آموزشی مقرون به صرفه است. تکلیف درسی، بر موفقیت و رشد شخصیت دانش‌آموز، اثراتی مثبت دارد. و می‌تواند به عنوان یک رابط اساسی بین خانه و مدرسه، به خدمت گرفته شود.

تکلیف درسی باید در پایه‌های مختلف، هدفهای مختلفی را دنبال کند. در مورد کودکان جوان، تکلیف درسی باید نگرشهای مثبت و عادت به مطالعه را در آنها پرورش دهد. در مورد کودکان بزرگتر، تکلیف درسی باید پیشرفت درسی دانش‌آموزان را در مواد گوناگون تسریع کند. در تمام پایه‌های تحصیلی باید تکلیف درسی داده شود ولی مخلوطی از تکالیف اجباری و اختیاری بیشترین فایده را خواهد داشت.

فراوانی و مدت زمان انجام تکالیف اجباری باید به شرح زیر باشد:

- ۱- پایه‌های ۱ تا ۳- تا سه تکلیف درسی در هفته، که هر یک قریب ۱۵ دقیقه طول می‌کشد.
- ۲- پایه‌های ۴ تا ۶- تا چهار تکلیف درسی در هفته، که هر یک ۱۵ تا ۴۵ دقیقه طول می‌کشد.
- ۳- پایه‌های ۷ تا ۹- تا پنج تکلیف درسی در هفته، که هر یک ۴۵ تا ۷۵ دقیقه طول می‌کشد.
- ۴- پایه‌های ۱۰ تا ۱۲- تا پنج تکلیف درسی در هفته، که هر یک ۷۵ تا ۱۲۰ دقیقه طول می‌کشد.

برای مدارس

فراوانی و مدت زمان انجام تکالیف درسی، باید با توجه به شرایط اجتماعی و محیطی مدرسه به طور دقیقتر تعیین گردد.

در مدرسی که مواد مختلف توسط معلمان مختلف تدریس می‌شود، معلمان باید بدانند:

- ۱- کدام روزهای هفته به انجام تکلیف درسی اختصاص داده شده است.
 - ۲- چه مقدار وقت در روز برای تکلیف درسی ماده‌ای که آنها تدریس می‌کنند لازم است. مسئولین مدرسه باید:
 - ۱- خط‌مشی‌های تکلیف درسی را با منطقه آموزشی و اولیای دانش‌آموزان به تبادل نظر گذارند.
 - ۲- اجرای خط‌مشی‌ها را مورد بررسی قرار دهند.
 - ۳- در صورت لزوم جدول اوقات تکالیف درسی مواد گوناگون را تنظیم کنند.
- معلمان باید تصریح کنند که:
- ۱- تکلیف درسی چه ارتباطی با ماده درسی مورد نظر دارد.
 - ۲- هدف تکلیف درسی چیست.
 - ۳- بهترین طریق انجام تکلیف درسی چیست.
 - ۴- دانش‌آموز چه باید بکند که نشان دهد تکالیف خود را به خوبی انجام داده است.

برای معلمان

همه دانش‌آموزان کلاس موظف هستند که تکلیف داده شده را انجام دهند. به جز در بعضی موارد نادر.

تکلیف درسی همچنین شامل تکالیفی اجباری است و انجام ندادن این تکالیف انجام فعالیت‌های

جبرانی را الزامی می‌سازد.
 تکلیف درسی شامل تکالیفی اختیاری است که به منظور رفع نیازهای دانش‌آموزان یا گروه
 دانش‌آموزان طراحی شده‌اند.
 همه تکالیف درسی رسماً ارزشیابی نمی‌شوند، بلکه مجموعه تکالیف درسی به عنوان شاخصی
 برای تعیین مشکلات پیشرفت دانش‌آموز و بذل توجه ویژه به او، بکار گرفته می‌شود.
 تکالیف درسی باید علاوه بر موضوع درسی همان روز موضوعات روزهای قبل را در برگیرند.
 تکلیف درسی برای آموزش مهارت‌های پیچیده بکار گرفته نمی‌شود، بلکه بر مهارت‌ها و مطالب ساده
 و یا مهارت‌هایی که تقریباً همه دانش‌آموزان کسب کرده‌اند تمرکز دارد.
 از اولیا به ندرت خواسته می‌شود که نقش رسمی مهمی در تکالیف درسی فرزندانشان ایفا کنند. در
 عوض از آنها باید خواسته شود که محیطی مساعد برای مطالعه فرزندانشان ایجاد کنند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی



زیرنویسها:

- 1 - Harris Cooper
- 2 - H.J. Otto
- 3 - P.R. Wildman
- 4 - Spatnik

Synthesis of Research on Homework, Educational Leadership, November 1989, PP. 85 - 91.